

ایران یکی از منابع مالی جهاد اسلامی

ما از نظر تاریخی جنبشی فقیر با موارد و امکانات مادی محدودی می باشیم. به همین خاطر موارد پرداختی و فعالیت های ما همواره محکوم به محدودیت امکانات است.

ما برای تامین هزینه فعالیت ها و جنبش بر توان های خودی، از جمله کمک هایی که تعدادی از اعضا و هوادارانی که دارای وضعیت مالی خوبی هستند استفاده نموده و در کنار آن از کمک ها و اموال زکات و از صدقاتی که مردم کشورهای عربی و اسلامی و از جمله مردم مسلمان ایران برای ما جمع آوری می کنند استفاده می کنیم، و هیچ نوع کمکی از کانال های رسمی ایرانی دریافت نمی داریم، بعضی موسسات خصوصی خیریه و نیز تعدادی از روحانیون هستند که کمک هایی انسان دوستانه را برای تامین زندگی خانواده های شهدا، معلولین و اسرای دربند رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان به ما می دهند.

روابط ما با ایران دقیقا به همان مقداری است که ما با دیگر طرف ها داریم و محکوم به اصول چندی از جمله محافظت از استقلال تصمیم گیری ما و تایید مسئله مرکزی امت اسلامی یعنی مسئله فلسطین می باشد.

موضع ما نسبت به ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون تغییری نداشته و حوادث و تحولات بر حق بودن مواضع و دیدگاه هایمان را ثابت نموده اند.

هم اکنون همه آنچه را که ما بیست سال پیش در قلمداد نمودن جمهوری اسلامی به عنوان پایگاه اسلام و هم پیمان استراتژیک اعراب در مقابله با ائتلاف صهیونیستی - آمریکایی در منطقه گفتگو کردیم را تکرار می کنند.

در مورد اتهام هایی که از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین به ما نسبت داده شده و طرف هایی بیگانه متهم به تحریک ما شده اند، باید بگویم که این اتهام ها اهانتی بس بزرگ به ملت فلسطین به شمار می رود زیرا این کلام به این معنی است که این ملت یارای تحرک برای دفاع از خود و سرزمینش را در مقابل تجاوزات صهیونیستی نداشته و تنها با تحریک دیگران دست به انجام چنین کارهای می زند.

علاوه بر آن توصیف سوریه و ایران به عنوان جهت هایی بیگانه نیز در زمانی که تشکیلات خودگردان با اسرائیل علیه ملت فلسطین و امت اسلامی هم پیمان می شود خود محکومیتی برای تشکیلات به شمار می رود.

آیا سوریه و ایران که پشتیبان مبارزات ملت فلسطین می باشند، بیگانه اند ولی اسرائیل که به هم پیمان دوست تبدیل شده است، هم پیمانی با آن، نعمت و فخر است؟ این تحریف و تزویری خطرناک به شمار می رود.

۳-۱- سناریوی اول: پیروزی قاطع اسرائیل به معنای محدود سازی کامل فلسطینی ها، تبدیل بیت المقدس به پایتخت اسرائیل، جلوگیری از بازگشت آوارگان و گسترش شهرک سازی برای یهودیان این سناریو با توجه به تنگناهای بعدی اسرائیل و حامی آن آمریکا و چالش های جهانی و منطقه ای هر دو کشور و مقاومت پر دامنه فلسطینی ها احتمال تحقق ندارد.

۳-۲- سناریوی دوم: پیروزی فلسطین به معنای تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین های ۱۹۶۷ به پایتختی بیت المقدس (بخش شرقی قدس) و بازگشت بخش عمده آوارگان احتمال تحقق

این سناریو به دلیل مخالفت جدی اسرائیل، ضعف دولت های عربی و محدودیت های مردم فلسطینی در تحمیل خواسته های خود به تل آویو، اندک می باشد.

۳-۳- سناریوی سوم: وقوع جنگ همه جانبه و سرایت آن به کشورهای خاورمیانه و کشیده شدن دامنه آن به ایران وقوع این سناریو نه تنها مشکل اسرائیل و آمریکا را حل نمی کند، بلکه مدیریت بحران را از کنترل همه خارج می سازد. لذا آمریکا با مهار اسرائیل و چانه زنی و اعمال فشار با گروه های فلسطینی و کشورهای عربی مانع از تحقق این سناریو می شود.

۳-۴- سناریوی چهارم: بازگشت به دوران دهه ۱۹۹۰ و آغاز روند صلح این سناریو دست کم در کوتاه مدت به دلیل تخریب زیر ساخت های صلح توسط اسرائیل و گسترش روند انتفاضه نامتحمّل به نظر می رسد.

۳-۵- سناریوی پنجم: بازگشت به شرایط دهه ۱۹۸۰ و قبل از آغاز دوران صلح این سناریو نیز وضعیتی مشابه سناریوی قبلی دارد و عملاً به مثابه پاک کردن صورت مساله بوده و نیاز اسرائیل به برقراری امنیت را مرتفع نمی سازد و از سوی دیگر انتفاضه را خاموش نخواهد ساخت.

۴- آینده ی منازعه و فلسطین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در نسبت سنجی میان امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و منازعه فلسطینی اسرائیلی و به طور کلی موجودیت رژیم صهیونیستی، عنایت به این نکته حایز اهمیت است که منازعه مذکور و موجودیت اسرائیل، صرفنظر از نگاه آرمانی و ایدئولوژیک، مساله امنیتی نیز هست. بدین جهت می بایست این بحران به شکل معادله ای امنیتی مطرح گردیده و مولفه های تاثیر گذار از جمله محیط بین المللی و منطقه ای، موقعیت بازیگران موثر و فعال و برآیند تعامل آنان بر محیط امنیتی

جمهوری اسلامی ایران مد نظر قرار گیرد. محیط امنیتی ایران بی شک در برقراری موازنه قوا، مشارکت در ترتیبات امنیت منطقه ای، جلوگیری از ائتلاف های امنیتی علیه ایران و تضعیف همزمان قدرت های رقیب اسرائیلی - عربی شکل می گیرد.

هرچند در شرایط کنونی ادامه انتفاضه به جهت تضعیف و مشغول سازی اسرائیل و آمریکا و تقویت موضع مردم فلسطین گزینه مطلوبی برای ایران به شمار می رود اما به دلیل محدودیت های فلسطینیان، عدم حمایت موثر اعراب و برخورداری اسرائیل از حمایت آمریکا و بی توجهی رژیم صهیونیستی به افکار عمومی جهانی و فرم ها و قواعد بین المللی، علی القاعده می بایست انتفاضه را اهرم فشاری دانست که به راه حل سیاسی در آینده خواهد انجامید. لذا استراتژی کشورمان بر این اساس قابل تنظیم است.

جمهوری اسلامی ایران همواره مخالف روند صلح بوده و آن را عادلانه نمی دانسته است. اما با توجه به پذیرش ایده صلح و مقبولیت جهانی آن، این گونه موضع گیری کشورمان نزد افکار عمومی جهانی انعکاس وارونه داشته و ایران را به عنوان مخالف صلح معرفی نمود است. این امر تا حدودی ناشی از ضعف دیپلماسی کشورمان بوده است. ضمن این که مواضع ایران در گذشته عموماً جنبه سلبی داشته و کمتر بعد ایجابی به خود گرفته است.

با عنایت به موارد یاد شده ضرورت دارد به سیاست های ایجابی متناسب با شرایط جدید پرداخت که از جمله می توان به عملیاتی نمودن طرح پیشنهادی مقام معظم رهبری مبنی بر برگزاری فراندوم در سرزمین های اشغالی اشاره نمود. پر واضح است حل و فصل منازعه در موقعیت نابرابر

طرفین به سود اسرائیل می انجامد، اما مداخله ایران می بایست به شکل منطقی و در چارچوب قواعد بازی باشد تا مورد پذیرش جهانی قرار گیرد.

بر این اساس چنین می نماید که ایران با هیچ یک از بازیگران موثر و کشورهای عربی و اسلامی حتی سوریه، نمی تواند اتحاد استراتژیک داشته باشد. و همواره کشورهای عربی مسلمان خواهان تضعیف ایران اسلامی نیز بوده اند و کمکهای بسیاری را هم برای نابودی جمهوری اسلامی ایران در زمان جنگ ایران و عراق هزینه کرده اند، این کشور ما هیچ به متجاوز به نظر نیفکندند و فقط ناسیونالیسم عربیت را مد نظر داشتند نه مسائل اسلامی یا انسانی حتی عرفات رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین که مورد استقبال و حمایت ایران و رهبر ایران واقع نشده بود، و نهال نوپایی جمهوری اسلامی ایران برای حمایت از آن، خود را با مشکلات بسیار شدید آمریکا و غرب درگیر کرده بود. در زمان جنگ ایران و عراق با حمایت از صدام و مخالفت با جمهوری اسلامی ایران پرداخت و همه چیز را نادیده گرفت و بیان داشت که حتی اگر صدام متجاوز هم باشد از او به خاطر عرب بودنش حمایت می کنیم. در نتیجه مسوولان نظام سیاسی کشور باید این نکته را مد نظر قرار دهند که آیا در صورت پیروزی مقاومت فلسطین تکرار واقع عرفات، یا برهان الدین ربانی و ... تکرار نخواهد شد، با اینکه ما همواره شاهد محکومیت ایران در مورد سه جزیره ایرانی خلیج فارس در کنفرانس های متعدد اعراب و باشیم، که همچنان عربیت را به اسلامیت کشورها ترجیح می دهند و از ایرانی نیرومند در کنار خود نه تنها خوشنود نیستند، بلکه آنچه مسلم است و همه ما می دانیم خواهان تضعیف آن نیز می باشند. لذا به نظر می رسد که طرح مساله فلسطین می بایست به عنوان مساله ای انسانی و در سطح بین المللی دنبال شود و صرفاً یک مساله اسلامی و متعلق به

جهان اسلام تلقی نگردد. توجه و تاکید به بازگشت آوارگان، حق تعیین سرنوشت و برگزاری
رفراندوم تحت نظر سازمان ملل متحد و با نظارت بین المللی برای تعیین نظام آتی فلسطین به
مورد تاکید است.

پر واضح است تا زمانی تمکین اسرائیل و حامی آن آمریکا به چنین شرایطی، ایران نمی تواند
برگهای برنده خود از جمله پشتیبانی انتفاضه را کناری نهد. اما روند پشتیبانی انتفاضه نیاز به
بازنگری جدی دارد. حمایت جدی معنوی و پشتیبانی با واسطه از کلیه گروه های فلسطینی و
محدود نکردن حمایت ایران به گروه های اسلام گرا و جلوه انسانی بخشیدن به حمایت ایران از
آرمان فلسطینی ها در شرایط کنونی ضرورت و اهمیت فراوان می یابد. برای نیل به این مهم
ضروری به نظر می رسد که اقدامات مراکز سیاسی، نظامی و اطلاعاتی کشورمان صورت متمرکز و
هماهنگ دنبال شود.

واکنش ایران و دیگر کشورها در قبال توافقنامه اسلو غزه اریحا

در جهان و در میان تمام حکومتها تنها کشوری که توافقنامه غزه - اریحا را به دلیل ناعادلانه بودن
رد کرد و آن را محکوم به شکست دانست جمهوری اسلامی ایران بود. ایران صراحتاً و علناً توافقنامه
را ظالمانه خواند و آن را به شدت محکوم کرد. مقام معظم رهبری ضمن ناعادلانه خواندن توافقنامه
و محکوم کردن پذیرش موجودیت نامشروع رژیم صهیونیستی توسط ساف و عرفات صراحتاً اعلام
نمود که رژیم صهیونیستی به دلیل ماهیت تجاوز کارانه و توسعه طلبانه خود حتی به مفاد این
توافقنامه استثماری و ظالمانه نیز پایبند نخواهد ماند که روند حوادث، صحت نظرات مقام معظم
رهبری را اثبات نمود. در آن مقطع زمانی فضای سیاسی و تبلیغاتی جهان به گونه ای شکل گرفته

بود که حتی سوریه و لبنان نیز ناراضیتی خود را از توافقنامه غزه - اریحا در راستای حل و فصل مسائل فی ما بین خود با رژیم صهیونیستی عنوان داشتند. سوریه در واکنش به مصوبات اسلو و قرارداد صلح سکوت اختیار کرد اما مطبوعات سوریه آن را مبهم خواندند و محتاطانه علیه آن موضعگیری کردند. دولت لبنان توافق حاصله را تامین کننده خواسته های ملت فلسطین ندانست و مخالفت خود را با آن اعلام نمود.

ده گروه و سازمان فلسطینی از جمله جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و سازمان جهاد اسلامی با محکوم کردن توافقنامه غزه - اریحا آن را ناعادلانه خواندند و آمادگی خود را برای مبارزه تا احقاق حقوق ملت فلسطین اعلام داشتند.

جنبش مقاومت اسلامی و حزب الله لبنان نیز همگام با جمهوری اسلامی ایران علیه توافقنامه صلح غزه - اریحا موضعگیری کردند و آن را به دلیل ناعادلانه بودن محکوم نمودند.

انتفاضه و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

اگرچه رژیم صهیونیستی با تخلیه تنش (انتفاضه) از محدوده حاکمیت صهیونیسم به محدوده به ظاهر تحت حاکمیت فلسطینی ها و واگذاری مسئولیت کنترل این معضل به حکومت خودگردان، توانسته از این مخمصه بزرگ تا حدود زیادی نجات پیدا کند و رژیم خود را از سرنگونی و نابودی رها نماید، ولی در هر حال با توجه به قدرت، گستردگی و عمومی بودن موج عظیم انتفاضه از یک سو و ناتوانی حکومت خودگردان و همچنین رژیم اسراییل در کنترل کامل این حرکت مردمی از سوی دیگر، انتفاضه نقش مهمی در بازدارندگی روند صلح ایفا کرده و توانایی ادامه این نقش را نیز در آینده دارا خواهد بود و از آنجایی که شروع این قیام مردمی و آغاز کنندگان و هدایت گران این

قیام متأثر از قیام اسلامی مردم ایران و با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران بوده و همچنین نفوذ جمهوری اسلامی ایران بر رهبران انتفاضه که از مخالفین روند سازش مانند حماس و جهاد اسلامی - می‌باشند، نقش غیر مستقیم جمهوری اسلامی ایران را در بازدارندگی روند صلح کاملاً آشکار می‌سازد.

جهاد اسلامی فلسطین و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

یکی دیگر از راههایی که جمهوری اسلامی ایران توسط آن نقش بازدارندگی غیر مستقیم را در روند صلح ایفا نموده، سازمان جهاد اسلامی فلسطین بوده است. این سازمان که با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران تشکیل یافته و فعالیت‌هایش استمرار پیدا کرده است، نقش بسیار موثری در کند نمودن روند صلح و تهدید امنیت ملی و منافع رژیم صهیونیستی ایفا نموده است. جهاد اسلامی با اقداماتی مانند هدایت انتفاضه، عملیات چریکی و استشهادی علیه اهداف و منافع رژیم صهیونیستی و سازماندهی مردم مسلمان فلسطین برای مخالفت با روند صلح، یک عامل موثر بازدارنده در روند صلح محسوب گردیده، بطوریکه همواره یکی از شرایط رژیم اشغالگر قدس برای تحقق صلح میان یاسر عرفات رییس حکومت خودگردان و اسرائیل، کنترل و سرکوبی گروه‌های اسلامی از جمله جهاد اسلامی فلسطین توسط حکومت خودگردان بوده است. سازمان جهاد اسلامی فلسطین، اهداف خود را با اهداف جمهوری اسلامی ایران بویژه در مورد رژیم صهیونیستی و قضیه فلسطین یکسان می‌بیند و از نظر ایدئولوژیکی خود را به جمهوری اسلامی ایران بسیار نزدیک می‌پندارد و از سوی دیگر از حمایت‌های سیاسی و روانی جمهوری اسلامی ایران نیز بهره‌مند می‌گردد و از این نظر نیز دلگرمی کافی جهت ادامه مبارزه با اشغالگران را بدست می‌آورد. بنابراین

جهاد اسلامی در راستای اهداف جمهوری اسلامی ایران در زمینه صلح که ضمناً آنها را اهداف خودش نیز تلقی می کند، گام برمی دارد و چون همانند ایران، روند صلح اعراب و اسرائیل را غیر منطقی و ناعادلانه و به ضرر کامل مسلمانان منطقه و فلسطینی ها قلمداد می کند، با این روند آمریکایی به مخالفت پرداخته و اقدامات مقتضی را جهت بازدارندگی صلح بعمل آورده است.

حماس و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، یکی از گروههایی است که جمهوری اسلامی ایران از طریق آن در روند صلح خاورمیانه ایجاد بازدارندگی می کند. اگرچه حماس همانند حزب الله لبنان و حتی جهاد اسلامی فلسطین به جمهوری اسلامی ایران نزدیک نیست، ولی به اندازه کافی دیدگاههای حماس نسبت به رژیم صهیونیستی، مساله فلسطین و اهمیت و جایگاه ولای آن در جهان اسلام و همچنین اهداف و منافع این گروه در روند صلح با دیدگاهها و اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران در مسایل ذکر شده، نزدیک و هماهنگ می باشد و از سوی دیگر حماس نیز تقریباً در سطح حزب الله و جهاد اسلامی ایران به اندازه کافی توانسته و می تواند از طریق حماس در معادلات منطقه ای مشارکت و تاثیر داشته باشد و روند صلح را کند و مانعی بر سر راه آن ایجاد نماید.

حماس نیز مانند ایران معتقد است که رژیم صهیونیستی، رژیمی غاصب، غیر قانونی، نژاد پرست، توسعه طلب و غیر قابل مذاکره می باشد و با هر گونه اقدام و سیاستی که باعث تثبیت و امنیت این رژیم گردد، مخالف است. در نتیجه استقرار صلح آمریکایی را که طی آن جهاد اسلام و اعراب بازنده

اصلی و اسرائیل و آمریکا برنده اصلی این میدان خواهند بود، مردود دانسته و با اقدامات سیاسی، اجتماعی، تبلیغاتی و نظامی توانسته بر روند صلاح بازدارندگی ایجاد نماید.

حماس با توجه به توانایی های بالقوه و بالفعل و نفوذ فوق العاده مردمی، تشکیلات وسیع، گسترده و مقتدری را در دخل سرزمین اشغالی فلسطین و خارج از آن ایجاد کرده و از طریق این تشکیلات است که نقش فوق العاده ای را در مساله فلسطین ایفا می نماید. اگرچه حماس نیز همانند سایر گروههای اسلامی مخالف صلح، توانایی توقف کامل روند صلاح را ندارد، اما قادر است که از عادی سازی روابط بین اسرائیل و ملل اسلامی و عربی مانع شده و نقش مهمی را در این زمینه ایفا نماید و در هر صورت به عنوان یک نیروی بازدارنده روند صلح مطرح می باشد ولی به اندازه حزب الله و جهاد اسلامی، موضعگیربهایش تند و حاد نیست.

خالد مشعل رییس دفتر سیاسی حماس، ضمن ستایش از حملات شهادت طلبانه ضد اسرائیلی گفت، مقاومت تنها زبانی است که اسرائیل می فهمد. وی گفت به عملیات انتحاری که از سوی قهرمانان ما به اجرا در می آید، تنها راه مقابله با دشمن است و جنایاتش را علیه مردم ما متوقف می کند.

جنبش حماس اعلام کرد که با تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ حمایت می کند اما در عین حال حاضر نیست دولت اسرائیل را به رسمیت بشناسد. محمود الزهار از اعضای رهبری حماس گفت، جنبش حماس بدون عقب نشینی از مواضع استراتژیک خود، از تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در قلمرو مرزهای ۱۹۶۷ حمایت می کند.

سازمان کنفرانس اسلامی و نقش بازدارندگی تان در روند صلح

سازمان کنفرانس اسلامی از دیگر راه هایی است که جمهوری اسلامی ایران از طریق آن توانسته تا حدودی در برابر روند ناعادلانه صلح، نقش مخالف و بازدارنده ایفا کند.

اگرچه اعضا و عوامل موثر در این سازمان با نقش و مواضع ایران در رابطه با رژیم صهیونیستی و مساله صلح، هماهنگی و همنوایی مطلوبی نداشتند ولی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک عضو موثر و با نفوذ سازمان، موفق گردید برخی از مصوبه های این سازمان را به تایید و تصویب اعضا رسانده و یا در تغییر بندها و مصوبه ها اعمال نظر کند. از سوی دیگر، سازمان کنفرانس اسلامی همواره به عنوان تریبونی برای اعلام موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر مسایل مختلف منطقه و جهان از جمله مساله صلح خاورمیانه مطرح بوده است. همچنین ایران در حاشیه اجلاس مختلف و در مصاحبه ها، ملاقاتها و رایزنی ها و چانه زنی های سیاسی متعددی که انجام می دهد، مراتب نارضایتی و نگرانی خود را از روند صلح غیر عادلانه اعراب و اسراییل اعلام می نماید و از این جهت نیز به نوعی نقش بازدارندگی خود را در روند صلح ایفا می کرده و می نماید.

برای مثال در ششمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در داکار بنگلادش در دسامبر ۱۹۹۱، زمانی که در بیانیه پایانی اجلاس، کلمه «جهاد» برای آزادی قدس شریف حذف و واژه «تلاش» جایگزین آن گردیده و مذاکرات صلح مادرید مورد تایید قرار گرفت، جمهوری اسلامی ایران نسبت به آن واکنش تندی نشان داد و دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران طی یک مصاحله مطبوعاتی گفت، جمهوری اسلامی ایران اساساً مخالف هرگونه حرکت و قطعنامه ای است که در آن، کنفرانس صلح مادرید به رسمیت شناخته شود ... جمهوری اسلامی ایران این قطعنامه را

به دلیل پذیرش کنفرانس مادرید قبول نکرد. یکی از آثار مثبت حضور مقامات عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران در اجلاس داکار، تاکید کنفرانس بر قطعنامه ۳۳۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر این که «صهیونیسم معادل نژاد پرستی» می باشد، بوده است. در شرایطی که رژیم اسرائیل، تلاش بین المللی گسترده ای را به منظور لغو این قطعنامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد سامان می داد، تاکید کنفرانس سران بر قطعنامه ۳۳۷۹، یک پیروزی سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشنهاد دهنده این طرح و ... تلقی شده است.

و یا در هشتمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۹۹۷ نیز جمهوری اسلامی ایران توانسته به عنوان میزبان اجلاس، تاثیر بیشتری را در روند مصوبه ها در محکومیت رژیم صهیونیستی و مساله صلح بر جای گذارد. به طوری که در بیانیه پایانی اجلاس تهران در خصوص مسایل مربوط به فلسطین، صلح و رژیم صهیونیستی آمده است که اشغال فلسطین عربی شامل قدس شریف، ارتفاعات جولان در سوریه و جنوب لبنان را محکوم می کنند.

مقاومت استوار مردم فلسطین و لبنان و سوریه را در برابر اشغالگری اسرائیل می ستایند. آزادی کلیه سرزمین های اشغالی عربی و اعاده حقوق مردم فلسطین را می خواهند. سیاستها و اعمال توسعه طلبانه اسرائیل مانند احداث و گسترش شهرکهای یهودی نشین در سرزمین های اشغالی فلسطین و اعمالی را که برای تغییر وضعیت جغرافیایی و جمعیتی شهر مقدس قدس صورت می گیرد، محکوم می کنند. بر ضرورت توقف عملیات تروریستی دولتی توسط اسرائیل تاکید می کنند بازنگری هرگونه همکاری نظامی با اسرائیل با هدف قطع کامل آن را خواستارند. ایجاد منطقه عاری از کلیه سلاحهای کشتار جمعی و ضرورت پیوستن اسرائیل به معاهده عدم اشاعه

سلاحهای هسته ای و قرار گرفتن کلیه تاسیسات اتمی را تحت نظارت آژانسهای بین المللی انرژی اتمی خواهند و همچنین بر عزم و اراده خود برای بازپس گیری قدس شریف و مسجد الاقصی و اعاده حقوق ملی فلسطین و ... تاکید می کنند.

فشار غرب و آمریکا بر ایران در پی حمایت از مقاومت فلسطین

در این مقطع زمانی دو جریان به موازات یکدیگر علیه جمهوری اسلامی ایران و گروههای جهادی فلسطین شکل گرفت:

۱- جمهوری اسلامی ایران آماج حملات ناجوانمردانه غرب بویژه امریکا و صهیونیسم قرار گرفت و به عنوان حامی تروریسم و مختل کننده صلح منطقه ای و امنیت جهانی معرفی گردید. امریکا تحریمهای وسیعی را علیه ایران به مرحله اجرا گذاشت و لغو تحریمها را موکول به پذیرش قرارداد صلح غزه - اریحا نمود. جو روانی و تبلیغاتی علیه ایران به اندازه ای شدید شد که حتی برخی از دوستان جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان توصیه می کردند که اظهار نظر ایران مبنی بر ناعادلانه بودن طرح صلح به صلاح نمی باشد و ایران را در صحنه جهانی منزوی خواهد کرد زیرا نمی توان برخلاف جهت مسیر رودخانه خروشان کنونی شنا کرد، بنابراین چاره ای جز پذیرش این بی عدالتی نیست زیرا ایران به تنهایی نمی تواند در برابر تمام کشورهای غرب و متحدان عرب آنها بایستد. اما جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سنت لایتغیر الهی مبتنی بر وعده پیروزی حق و زوال باطل و با اتکال به خداوند تبارک و تعالی همچنان بر مخالفت خود تاکید نمود و از تایید قرار داد صلح امتناع ورزید و بر شکست محتوم آن به دلیل ناعادلانه بودنش پافشاری کرد.

۲- به موازات فشارهای وسیع و گسترده علیه ایران، تحرکات امریکا و اسرائیل برای سوق دادن ساف به سوی خلع سلاح گروههای جهادی و دستگیری نیروهای وابسته به تشکیلات حماس و جهاد اسلامی آغاز گشت هدف اصلی این بود که بر اساس توافقنامه صلح تشکیلات ساف دقیقاً به تعهد خود مبنی بر مقابله با نیروهای مخالف اسرائیل و روند صلح وفا کند و با ایفای نقش پلیس برای حفظ امنیت اسرائیل به سرکوب مبارزان فلسطینی مبادرت ورزد تا از این طریق جنگ فلسطینی با فلسطینی متحقق گردد.

جمهوری اسلامی ایران به شدت علیه این توطئه قیام نمود و آن را افشا کرد و نیروهای جهادی را از افتادن در چنین دامی بر حذر داشت گروههای جهادی بویژه جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و سازمان جهاد اسلامی فلسطین ضمن پافشاری بر ناعادلانه بودن قرارداد صلح غزه - اریحا اعلام داشتند هرگز اجازه نخواهند داد جنگ فلسطینی با فلسطینی به مرحله اجرا درآید.

تاثیر پذیری گروه های اسلامی فلسطین از انقلاب اسلامی ایران

بنا به اعتراف اغلب صاحب نظران، پیروزی انقلاب اسلامی ایران اثری بنیادین در صحنه مبارزاتی فلسطین به ویژه جریان های اسلامی بر جای نهاد. نکته قابل توجه این است که از ابتدای ظهور صهیونیسم یکی از شیوه های آنها برای کاستن توان مقابله اعراب، جداسازی سایر ملت ها و مذاهب اسلامی از قضیه فلسطین بود.

استفاده از اختلافات شیعه و سنی در راستای این هدف برا صهیونیست ها بسیار جذاب و قابل توجه می نمود. به رغم موفقیت نسبی در این راه و دور کردن توجه افکار عمومی جامعه ایرانی در طول دو دهه نسبت به مسئله فلسطین به کمک رژیم پهلوی، علمای مبارز و قشر روشنفکر ایرانی در حمایت

و همراهی با فلسطینی ها هرگز کوتاهی نکردند. اولین حضور قابل توجه از علمای شیعه در قضیه فلسطین مربوط به شرکت امام کاشف الغطاء در کنفرانس اسلامی قدس بود. این کنفرانس در سال ۱۹۳۱ در قدس و با تلاش مفتی حاج امین حسینی برگزار شد. هدف این کنفرانس جلب توجه جهان اسلام به مسئله فلسطین و اخطار به انگلیسی ها و صهیونیست ها بود.

صهیونیست ها و انگلیسی ها تلاش هایی برای جلوگیری از برگزاری کنفرانس به عمل آوردند، اما چون انگلیسی ها مخالفت بیشتر با تشکیل کنفرانس را به مصلحت نمی دانستند به حاج امین حسینی پیام دادند که کنفرانس نباید به مسائل سیاسی بپردازد و تنها باید به امور دینی پرداخته شود و چنانچه برخلاف این عمل شود، او را از فلسطین تبعید خواهند کرد، اما امام کاشف الغطاء در سخنرانی خود بر لزوم وحدت و حراست از سرزمین قدس تاکید کرد و در اولین روز برگزاری کنفرانس، شرکت کنندگان نماز جماعت را به امامت وی برگزار کردند. شایان ذکر است که کاشف الغطاء برای حمایت از آرمان فلسطین بسیار تلاش کرد و در این راه متحمل مشکلات بسیاری نیز شد.

شهید نواب صفوی نیز از جمله روحانیان مبارز شیعه بود که در سال ۱۹۵۰ در راس یک هیئت مذهبی از قدس دیدار به عمل آورد و سخنان بسیار حماسی و پرشوری در این مسجد بیان کرد و رهبران و علمای فلسطینی نماز جماعت را به امامت وی به جا آوردند.

از دیگر علمای شیعه که نسبت به مسئله فلسطین بسیار اهتمام داشت، مرحوم آیت الله کاشانی بود که به رغم کارشکنی های رژیم پهلوی برای کمک به فلسطینی ها تلاش بسیاری کرد

حضرت امام خمینی (ره) را باید از مهم ترین رهبران و علمای شیعه و جهان اسلام دانست که سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب، به قضیه فلسطین به شکلی عمیق و اساسی توجه داشتند و همواره خطر اسرائیل را برای جهان اسلام یادآوری می کردند.

سخنان امام (ره) در سال ۱۳۴۳ ه.ش و گوشزد کردن خطر صهیونیسم و نفوذ آن در رژیم پهلوی از جمله معروف ترین موضع گیری های امام است. نکته قابل توجه اینکه امام (ره) از ابتدا هرگز اسرائیل را صرفاً به عنوان یک اشغالگر سرزمین فلسطین در نظر نداشتند، بلکه آن را عاملی از سوی غرب برای مقابله با اصل و اساس اسلام می دانستند.

علاوه بر این موضع گیری اساسی، امام (ره) در زمینه عملی نیز حتی پیش از انقلاب اسلامی حمایت‌های فراوانی از فلسطین می کردند، از جمله اختصاص سهم امام و هدایت اشخاص برای کمک به قضیه فلسطین.

در بین سایر علما و روشنفکران شیعی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مواضع بسیار روشن و محکم شهید مطهری و دکتر شریعتی نیز قابل توجه است. در لبنان نیز به رغم اینکه فلسطینی‌ها مشکلاتی را برای شیعیان جنوب لبنان فراهم آورده بودند، امام موسی صدر به شکلی بسیار قاطع و استوار از فلسطینی‌ها حمایت کرد و در جنگ‌های مسیحیان علیه فلسطینی‌ها در کنار فلسطینی‌ها ایستاد و از آنها پشتیبانی نمود.

در داخل فلسطین نیز جوانان فلسطینی طی دو دهه محاصره مطلق شناخت دقیق و کاملی از شیعه و ایران نداشتند، اما این را می دانستند که رژیم حاکم بر ایران طرفدار اسرائیل است. به همین دلیل به محض پیروزی انقلاب و آگاهی آنان از مواضع ضد اسرائیلی امام (ره)، به طور خودجوش موجی از

شادی در بین مسلمانان به وجود آمد. به طور کلی، پیروزی انقلاب اسلامی در آن زمان انگیزه ای قوی در بین مسلمانان فلسطینی برای تداوم مبارزه به وجود آورد. گفتنی است در شرایط زمانی آن روز تفکر اسلامی و قدرت آن برای مقابله با جریان های استکباری به طور جدی زیر سوال رفته بود، به گونه ای که بسیاری تفکر اسلامی را فاقد قدرت برای به تحرک در آوردن توده ها می دانستند.

توانمندی نظامی ایران خطری برای اسرائیل

ایران از نظر اسرائیلیها مهمترین کشور تهدید کننده اسرائیلیها است. بنابراین جایگاه ویژه ای در نظام امنیتی رژیم اسرائیل دارد. این کشور در صدد مقابله با تهدیداتی است که از نظر آنها امنیتشان را به خطر می اندازد.

اسرائیلیها اصطلاح ماورای افق را به کار برده اند از نظر آنها ایران به خاطر دست یافتن به سلاح تخریب جمعی تهدید بالقوه برای اسرائیل است لذا آنها ناچارند که مقابله به مثل کنند و این مستلزم تواناییهای جدید برای ماورای افق است. مدیر کل وزارت دفاع اسرائیل در مورد ایران اظهار می دارد که «آنها می گویند قصد نابودی اسرائیل را دارند و برای حزب الله جنگ افزار می فرستند.» در سال ۱۹۹۵ در آمریکا نیز از ایران به عنوان «بزرگترین تهدید برای اسرائیل» تاکید شد و نسبت به ورود ایران به آستانه سلاح های هسته ای و حمایت از گروههای اسلامی اظهار نگرانی شده است. در این خصوص ایهود باراک گفته است تلاش کشورهایی مانند ایران، لیبی، عراق و پاکستان برای کسب توانایی نظامی اتمی مشکل ساز خواهد شد، در سال ۱۹۹۲ اسحاق را بین نخست وزیر اسرائیل گفته بود که دولتش با همکاری قدرتهای بزرگ باید توجه خود را به احتمال دست یابی دشمنان اسرائیل به سلاح هسته ای معطوف سازد. و از اتمی شدن آن به هر قیمت جلوگیری کند.

همچنین اریل شارون پس از انتصاب به سمت وزارت دفاع در سال ۱۹۸۱ با تاکید بر اهمیت عمق استراتژیک به عنوان مبنای نظام منطقه ای اشاره کرد وی تمام کشورهای عربی، ایران، ترکیه، پاکستان و کشورهای شاخ آفریقا را حوزه امنیتی اسرائیل اعلام کرد و از تصمیم این دولت برای ممانعت از دست یابی کشورهای خصم (بالفعل یا بالقوه) به جنگ افزارهای هسته ای خبر داد.

همچنین مارتین کرامر، مدیر انستیتوی دایان - تل آویو در ارتباط با اهداف اسرائیل از اتحاد با ترکیه چنین گفته است: «قرار داد ترکیه با اسرائیل یک قرارداد تشریفاتی نیست بلکه قرارداد استراتژیک و با ابعاد وسیع است که اگر لازم باشد براساس این قرارداد اسرائیل قادر خواهد بود برای تامین امنیت خود اهدافی را در ایران مورد حمله قرار دهد وی اضافه کرد؛ کنترل باب المندب که دریای سرخ را به اقیانوس هند متصل می کند از طریق اریتره در اختیار اسرائیل است. اکنون ترکیه را نیز تحت نفوذ داریم، برخی فکر می کنند که اسرائیل این اقدامات را برای نفوذ اقتصادی در آسیای میانه و قفقاز انجام می دهد، نخیر! این عملیات در راستای اهداف استراتژیک اسرائیل است و ما قصد داریم خطر دست یابی ایران را به سلاح هسته ای خنثی کنیم. چرا که گاه حوادث آنقدر سریع اتفاق می افتد که اگر ما به موقع در منطقه حضور نداشته باشیم منافع ما به خطر می افتد. یکی دیگر از مسایلی که اسرائیل بر آن تاکید دارد آزمایش موشک شهاب ۳ ایران بود که از نظر اسرائیل این موشک کشور آنها را در تیررس حملات ایران قرار می دهد. لذا دولت اسرائیل را مجبور به بازنگری در برنامه های دفاعی و افزایش بودجه نظامی خود کرده است.

همچنین اسحاق مردخای در ارتباط با موشک شهاب ۳ ایران گفته بود که «اسرائیل در معرض خطر مهمی از جانب موشکهای ایران قرار دارد.»

باری روبین کارشناس امور خاورمیانه در دانشگاه بارایلان می گوید «اسرائیل مقدار هنگفتی از بودجه خود را صرف برنامه هایی برای مقابله با خطر این موشکها نموده است.»

پرز وزیر امور خارجه اسراییل «تهدیدات عمده اسراییل را ناشی از ترکیبی از سلاح های هسته ای و اسلام افراطی بیان کرده است بنابراین جمهوری اسلامی ایران در پی دست یابی به قدرت هسته ای است دشمن اصلی اسراییل است.» این تهدیدات ارزش بازنگری را دارند زیرا نخبگان عرب، نگرانی و تشویش اسراییل در مورد منازعه گردهمایی بنیادگرایی اسلامی نسبت به ثبات رژیم های عربی و پیدایش زرادخانه هسته ای ایران را افزایش می دهد. احساس عمومی رهبران اسراییل این است که تهدیدات همه در کشورهای دورتر متمرکز شده در حالی که روابط با همسایگان عرب رو به بهبود است.

دولت اسراییل احساس می کند که فعالیت های هسته ای ایران، نه تنها اسراییل را به دردمس می اندازد بلکه غرب را نیز دچار مشکل می کند، «بیلن» رئیس مجلس اسراییل اعلام کرد که اسراییل از اروپای غربی و سایر کشورها از جمله چین خواسته است لایحه ای را تصویب کند که مانع از فعالیت هسته ای ایران شود. رئیس سابق ستاد باراک گفت که ایرانیها «جریان نفت به دنیای آزاد، ثبات رژیم های پراگماتیک، توازن داخلی در جهان عرب و رشد اقتصادی اروپا و ژاپن را مورد تهدید قرار می دهند به این جهت آنها سزاوار یک تلاش پیشگیرانه جهانی هستند، آنچه لازم است یک جبهه بین المللی است.» به قول اسحاق را بین، فقط ایالات متحده آمریکا، می توان یک حرکت بین المللی برای توقف تکثیر سلاح های هسته ای در خاورمیانه را رهبری کند، اسراییل در زمینه

تلاش برای جلوگیری از فروش موشکهای کره شمالی به ایران که اسرائیل در تیررس آنها است، به ایلات متحده آمریکا اتکا داشت.

همچنین در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۹۲ فرمانده اطلاعات ارتش اسرائیل گفت ایرانیان در حال انجام پروژه های هستند که باعث نگرانی ها در زمینه حفاظتی و ادامه حیاتمان شده است و زمانی که این پروژه به انجام برسد و به پتانسیل لازم دست یابد، تا پایان این دهه ایرانیان توانایی انجام کارهای هسته‌ای را خواهند داشت. در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ فرمانده نیروی هوایی اسرائیل، سرلشکر هوتز بودینگر در مورد تلاش هایی صحبت کرد که دیگر کشورهای منطقه برای بدست آوردن سلاح هسته ای انجام می‌دهند، او گفت اطلاعاتی را در اختیار داریم که نشان می دهد کشورهای منطقه مخصوصاً ایران، به سختی تلاش می کند که به این توانایی برسد، ما فکر می کنیم با توجه به اطلاعات بدست آمده اگر کاری صورت نگیرد، در طول یک دهه یا بیشتر ایران، به این مهم دست پیدا خواهد کرد. ۸ ماه بعد یک افسر نیروی هوایی که به طور اختصار سرهنگ A نامیده می شود تاکید داشت به اسرائیل برسند. در این شکی نیست که ایران در تلاش است تا توانایی تولید سلاح های شیمیایی و هسته ای را بدست آورد. او همچنین گفت که ایرانیها در حال توسعه برنامه های موشکی و همچنین تولید هواپیما می باشند که مستقیماً باعث هراس اسرائیل شده است. هم چنین در این زمان ایران در حال انجام برنامه های هسته ای بلند مدت خود می باشد.

با توجه به مطالبی که از سران این رژیم در مورد ایران نقل شد، به این نتیجه می رسیم که کشور ایران جایگاه خاصی در نظام امنیتی اسرائیل دارد و این کشور در سیاستگذاری امنیتی خود به ایران توجه می کند. با توجه به اینکه این کشور ایران را مهمترین تهدید خود می داند لذا برای مقابله با

ایران موشکهای مجهزی را خریداری کرده است. موشک شهاب ۳ که اخیراً توسط ایران ساخته شده است مقامات امنیتی اسرائیل را نگران کرده است چرا که اینها را این می ترسند که ایران این سلاح ها را علیه اسرائیل استفاده کند. با توجه به این که برد این موشک ۱۳۰۰ کیلومتر است به راحتی می تواند اسرائیل را مورد حمله قرار دهد. از یک طرف در اختیار داشتن سلاحی که می تواند اسرائیل را مورد هدف قرار دهد و از طرف دیگر تفکر سران رژیم ایران مبنی بر اینکه اسرائیل باید نابود شود این رژیم را بیش از پیش نگران کرده است. لذا مقامات اسرائیل بر این امر واقفند که باید برای تهدیدات ایران چاره اندیشی کنند.

کنفرانس حمایت از انتفاضه مردم فلسطین که در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ در تهران برگزار شد در غرب و اسرائیل بازتاب های گوناگونی داشت. تلاش گروه های طرفدار اسرائیل در امریکا این بود با استفاده از تبلیغات گسترده در خصوص برگزاری این کنفرانس در تهران، سیاست مداران امریکایی را به ادامه سیاست خصمانه علیه ایران تشویق نمایند.

اهداف این کنفرانس حمایت معنوی و مادی بیشتر از مردم فلسطین بود خالد مشعل، از رهبران حماس، در این کنفرانس گفت که ما خواهان یک تصمیم سیاسی برای پذیرش مسئولیت مقاومت فلسطین، حمایت مالی و حمایت نظامی هستیم.

نمایندگان تعداد زیادی از کشورهای اسلامی، عربی و جناح های مختلف فلسطینی بیش از ۳۰ هیئت پارلمانی متشکل از ۱۰۰ نماینده مجلس از کشورهای عربی و اسلامی و نمایندگان سازمان های غیر دولتی فلسطینی در این کنفرانس شرکت داشتند.

این تعداد از جهتی برای تحلیلگران شگفت‌انگیز است؛ زیرا همواره به این موضوع اشاره می‌کردند که کشورهای عربی از سیاست ایران در قبال فلسطین حمایت نمی‌کنند و تا قبل از برگزاری این کنفرانس، رسانه‌های غربی تلاش داشتند تا این موضوع را القا نمایند که فلسطین، مسئله‌ای عربی است و ارتباطی با ایران ندارد.

گیل سدان، تحلیلگر یهودی، اعتقاد دارد که ایران با برگزاری کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطینی، خواهان تقویت جبهه ضد اسرائیلی است، زیرا در حال حاضر رژیم اسرائیل در وضعیت بسیاری بی‌ثباتی قرار دارد. وی می‌افزاید که ایران در چند سال گذشته تلاش فراوانی نمود تا مبارزه علیه اسرائیل را از ماهیت عربی آن، به ماهیت اسلامی تغییر دهد و ایران توانست با برگزاری این کنفرانس جایگاه ویژه‌ای را به دست آورد.

در این کنفرانس به سخنان آقای محتشمی اشاره می‌شود که، خواهان نابودی رژیم صهیونیستی است و گفت: «اگر جهان اسلام بخواهد با این خنجر در قلب مسلمانان زندگی کند باید مرگ تدریجی را بپذیرد» سخنان آقای خاتمی نیز در این کنفرانس مورد توجه این تحلیلگران صهیونیستی قرار گرفت. آقای خاتمی مطابق معمول خواهان تشکیل دادگاه بین‌المللی برای محاکمه رهبران اسرائیل به عنوان جنایتکاران جنگی است. اعتقاد به نابودی رژیم اسرائیل را دارد ولی روشی که توصیه می‌کند برگزاری همه‌پرسی برای همه مردم فلسطین اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان برای تاسیس دولتی مستقل است که پایتخت آن بیت‌المقدس باشد.

تحریف واقعیت ها به وسیله یهودیان

موضوع تحریف واقعیت جنگ جهانی دوم و آدم سوزی یهودیان در چند سال اخیر، بین صاحب‌نظران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. حتی تعدادی از این افراد چون רוژه گارودی، محقق فرانسوی، به علت افشای بعضی از این واقعیت ها در فرانسه محاکمه شده است. طرح این موضوع همواره با مخالفت صهیونیست ها و حامیان آنان در غرب مواجه شده است. باز به اظهار آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، اشاره می کند که در آن آدم سوزی یهودیان اغراق آمیز عنوان شده و به همکاری نازی ها و یهودیان اشاره شده است. وی بخشی از اظهارات ایشان را می آورد که در آن تاکید کرده اند که «اسرائیل باید با زبان زور سخن گفت».

نویسنده اعتقاد دارد که موضوع تحریف واقعیت های آدم سوزی یهودیان به وسیله یورگن گراف، مدیر موسسه بررسی تاریخی در سوئیس، آغاز شد. او به علت مردود دانستن آدم سوزی یهودیان از سویس گریخت و به ایران پناهنده شد. گراف تلاش داشت تا کنفرانسی در این زمینه در مارس ۲۰۰۱ در بیروت برگزار کند که با مخالفت رفیق حریری، نخست وزیر لبنان، مواجه شد و تلاش های وی برای برگزاری آن در آن زمان نیز مورد مخالفت عبدالله دوم، شاه اردن قرار گرفت.

پیروزی حزب الله الگویی مبارزات فلسطین

از زمان شروع انتفاضه، تلاش های ایران برای تقویت همکاری بین حزب الله، حماس و جهاد اسلامی بوده است جمال منصور، یکی از رهبران حماس، در کرانه غربی طی مصاحبه ای که در ۹ آوریل، با نشریه الحیاه الجدیده انجام شد، تایید کرده است که تجربه حزب الله، تجربه مبارزاتی مردم را غنی کرده است و حزب الله به نمادی برای مردم فلسطین تبدیل شده است.

رادیو بی . بی . سی . در گزارش خود تصریح کرده بود که ایران تلاش دارد تا گروه های فلسطینی را ترغیب نماید تا از مدل حزب الله برای مبارزه علیه اسرائیل، استفاده کنند. خبرنگاری این رادیو به اظهارات رهبر انقلاب ایران اشاره می کند که شروع انتفاضه فلسطین را نتیجه فعالیت های حزب الله در خروج اسرائیل از جنوب لبنان می دانند.

سید حسن نصر الله، دبیر کل حزب الله، خطاب به شرکت کنندگان در کنفرانس گفت که موفقیت حزب الله در وادار ساختن اسرائیل به خروج از جنوب لبنان، باید به الگویی برای فلسطینیان بدل شود. حزب الله بعد از این که اسرائیل را مجبور ساخت تا از جنوب لبنان خارج شود، در جهان عرب از جایگاه ویژه ای برخوردار شد و این موجبات نگرانی مقام های اسرائیلی را فراهم کرده است.

دیمز در گزارش خود ذکر می کند که هدف این کنفرانس ایجاد هماهنگی بین گروه های مخالف اسرائیل است و چریک های حماس تاکنون در عملیات مشترک با جهاد اسلامی و حزب الله شرکت داشته اند. مناشی امیر، مدیر بخش فارسی رادیو اسرائیل، ادعاهای گذشته را تکرار می کند و مدعی است که ایران چریک های فلسطینی را در اردوگاه های حزب الله در جنوب لبنان و هم چنین در ایران مورد آموزش قرار می دهد. وی می افزاید: «چریک های فلسطینی از تاکتیک های حزب الله چون حملات موشکی و قرار داد بمب در کنار مسیر عبور سربازان اسرائیلی استفاده می کنند.»

حمایت ایران از مردم فلسطین موجب نگرانی این تحلیلگران شده است و آنها تلاش دارند، مقام های فلسطینی را ترغیب نمایند تا حمایت ایران از گروه های فلسطینی را به منزله زنگ خطری تلقی کنند تا به این بهانه به پای میز مذاکره بازگردند. موضوع دیگر این است که عدم حمایت مالی اعراب از فلسطینیان موجب شده که آنها برای دریافت کمک مالی به جانب ایران روی آورند و زمینه

را برای ایران، در تحمیل سیاست های خود فراهم آورند. کنفرانس تهران شرایط را برای عرفات و شارون دشوار می سازد تا بتوانند خشونت ها را متوقف سازند.

دستاورد های کنفرانس حمایت از انتفاضه در تهران

«تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بین مردم فلسطین و کشورهای اسلامی»

تفاوت عمده ای که این کنفرانس با سایر گردهمایی های دیگر که برای حمایت از فلسطین تشکیل شده است، دارد ارائه راه کارهای عملی برای مقابله با اسرائیل بوده است. علاوه بر این، ایران توانست با برگزاری این کنفرانس تا حدی با موضوع فلسطین، در جهان اسلام جایگاه ویژه ای برای خود به دست آورد و حضور نمایندگان کشورهای اسلامی غیر عرب موجب شد تا ماهیت اسلامی مبارزه مردم فلسطین علیه اسرائیل تقویت شود.

به طور کلی، در بررسی بازتاب کنفرانس حمایت از انتفاضه مردم فلسطین، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) تحلیکگران غربی و اسرائیلی معتقدند که جناح های سیاسی در ایران علی رغم وجود اختلاف نظرها در موضوع فلسطین، اتفاق نظر دارند و خواهان نابودی اسرائیل هستند. از نظر این افراد، جناح های اصلاح طلب و محافظه کار ایرانی، در حمایت از مردم فلسطین با یکدیگر اختلاف نظر ندارند.

۲) نکته ای که نگرانی و حیرت این تحکیلگران را برانگیخت، حضور چشمگیر نمایندگان گروه های مختلف فلسطینی از طرفداران عرفات گرفته تا مخالفان وی و هم چنین نمایندگان کشورهای اسلامی بوده است. این نشان می دهد که استراتژی اسرائیل و بعضی از کشورهای عربی و تایید آن

بر این مسئله که فلسطین موضوعی عربی و فلسطینی است، شکست خورده است و این کنفرانس تا حدی ماهیت اسلامی موضوع فلسطین را به عرصه بین المللی بازگرداند.

۳) موضوعی که نگرانی مقام های اسرائیلی و امریکایی را برانگیخته است، نقش حزب الله در مقاومت مردم فلسطین علیه اسرائیل است. استراتژیست های نظامی اسرائیل از طرفی مطرح می کنند که ایران با استفاده از حزب الله با گروه های فلسطینی ارتباط دارد و کمک های نظامی در اختیار آنان قرار می دهد، و از طرف دیگر معترف اند که پیروزی حزب الله موجب شد تا گروه های فلسطینی به این نتیجه برسند که می توانند به اسرائیل از لحاظ نظامی فشار وارد آورند. این موضوع در بین بعضی از صاحب نظران وجود دارد که اسرائیل با خروج از لبنان تا حدی توان بازدارندگی خود را از دست داده است و حتی در زمان خروج اسرائیل از جنوب لبنان، بعضی از نظامیان و حتی شارون به همین علت، با خروج این رژیم از جنوب لبنان مخالف بودند.

به نظر می رسد که برای اولین بار است که موضوع تحریف واقعیت های آدم سوزی یهودیان در جنگ جهانی دوم به طور رسمی مطرح می شود و این استراتژی باعث خشم و نگرانی اسرائیل شده است. اسرائیل همواره از آدم سوزی یهودیان برای دریافت کمک مالی و هم چنین حمایت سیاسی از کشورهای مختلف استفاده می کند و در حال حاضر نیز دعاوی حقوقی در کشورهای اروپایی برای پرداخت غرامت یهودیان در جریان است. آلمان اخیراً موافقت نمود تا مبلغ قابل ملاحظه ای را به یهودیان به عنوان خسارت پرداخت نمود. طرح این قضیه اگر در دراز مدت مورد پی گیری قرار گیرد، می تواند به عنوان اهرمی برای اعمال فشار علیه اسرائیل در مجامع بین المللی استفاده شود.

۵) در پایان بدون تردید می توان گفت که برگزاری این کنفرانس جایگاه جمهوری اسلامی ایران را در بین مردم فلسطین و کشورهای اسلامی تقویت کرد. در مقابل عاملی شد تا گروه های طرفدار اسرائیل در امریکا بتوانند با استفاده از آن، سیاست های امریکا علیه ایران مانند تحریم های اقتصادی را تشدید کنند.

بازتاب انقلاب اسلامی ؟ شکل گیری جهاد اسلامی فلسطین

در مورد اثرات و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر فکر و ایدئولوژی جنبش جهاد اسلامی فلسطین، باید گفت که انقلاب اسلامی در زمینه های تئوری و عمل برای جنبش جهاد منبع فکر و الهام بوده است. به طوری که بنیانگذاران جنبش جهاد از همان ابتدا سعی می کردند اندیشه ها و رهنمودهای امام خمینی را بپذیرند و به فرامین وی عمل نمایند. از نظر بنیانگذاران الجهاد، امام خمینی نه فقط سمبل و الهام بخش و رهبر انقلاب اسلامی ایران است، بلکه در همه جا این مشخصات را دارد.

همین طور رهبران الجهاد کوشیدند از تجربیات انقلاب اسلامی ایران درس بگیرند و این تجربیات را در صحنه فلسطین پیاده کنند. از دیدگاه جنبش جهاد اسلامی تا قبل از پیروزی انقلاب در ایران، اسلام از صحنه مبارزه و رویارویی دور بوده است، لذا با پیروزی انقلاب اسلامی این مسئله روشن شد که اسلام تنها راه حل بوده و جهاد بهترین شیوه مناسب می باشد.

در حقیقت جنبش جهاد اسلامی مواضع بنیادیش را در خصوص مسئله جهاد در فلسطین از سه محور اساسی الهام می گیرد. این محورها عبارتند: ۱- انقلاب ایران ۲- میراث اخوان المسلمین (به ویژه ادبیات سید قطب) ۳- تجربیات سازمان جهاد اسلامی مصر. انقلاب اسلامی ایران توانست کاری

کند که نگرستن به قضیه فلسطین از یک دیدگاه اسلامی امری ممکن باشد، همان دیدگاهی که جنبش جهاد اسلامی آن را مناسبترین راه حل معرفی می کند.

دین اسلام از نظر امام خمینی همان دینی است که مجاهدان حق جو و عدالت طلب، خواهان آن می باشند. دین کسانی که خواستار آزادی و استقلال هستند.

به عقیده ثنوریسینهای جهاد اسلامی، خطر اسرائیل تنها در اشغال (دارالسلام) فلسطین و تحقیر مردم این کشور و گسترش فرهنگ صهیونیستی خلاصه نمی شود، بلکه این طرح بخشی از یک نقشه جامع به منظور پراکنده ساختن امت اسلامی و سوق دادن مسلمانان به سوی غربگرایی و استثمار و استعمار و بندگی و فلج کردن اراده آنان می باشد.

همانگونه که رهبران جمهوری اسلامی ایران بارها در محافل داخلی و خارجی به آن اشاره نموده اند.

ایران و دو حادثه شگفت انگیز برای مقاومت فلسطین

حادثه، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ به رهبری امام خمینی رضوان الله علیه بود این پیروزی با خروج مصر از صحنه مبارزه با رژیم صهیونیستی و امضای توافقنامه کمپ دیوید همزمان گردید. خروج مصر به مثابه برادر بزرگ [کشورهای عربی خط مقدم] از صحنه مبارزه همانگونه که می دانیم باعث گردید تا بار این رویارویی کاملاً بر دوش سوریه قرار گیرد.

از جمله نعمت های خداوند به امت اسلامی، سوریه و اعراب پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه هم پیمان استراتژیک رژیم صهیونیستی در منطقه بود. شما تصور کنید اگر همزمان با کمپ دیوید رژیم شاه هم همچنان در قلب منطقه باقی می ماند و پایگاه استراتژیک طرح غربی

صهیونیست در منطقه بود، این منطقه چه شکل و ساختاری پیدا می کرد؟

از رحمت خداوند بر ما، حکمت و دانایی رهبران این کشور [ایران] بود که آنان انقلاب را از همان روز اول پیروزی به عنوان هم پیمانی برای اعراب و یار و یابوری برای مسایل عربی و در راس آن مسئله فلسطین و رویارویی با رژیم صهیونیستی این مسئله مرکزی جهان عرب معرفی نمودند.

اما حادثه جالب دوم مربوط به امام و انقلاب است. زمانی که انقلاب اسلامی در همان ابتدای پیروزی‌اش با جنگ تحمیلی که با هدف شکست و در نطفه خفه نمودن آن در چارچوب طرح‌های توطئه گرانه بیگانگان علیه این انقلاب مواجه گردید، انقلاب شعار جنگ جنگ تا پیروزی پیش بسوی قدس [حربا حربا حتی النصر، زحفا زحفا نحو القدس] را سر داد امام زمانی که امام خمینی (رضوان الله علیه) تصمیم به توقف جنگ گرفت.

مسئله جالب اینجاست، چه کسی در آن روز فکر می کرد که خداوند سبحانه و تعالی برای امام خمینی آن جنگ را با جنگ پر خیر و برکت تر مبدل کند. جنگی که برای رسیدن به قدس نزدیک تر است و دیوار به دیوار رژیم اشغالگر قدس قرار دارد. این جنگ را فرزندان و شاگردان مکتب امام خمینی رزمندگان حزب الله و مقاومت اسلامی علیه خیر جدید انجام دادند.

امام خامنه ای (حفظه الله) راهی را که امام خمینی (رضوان الله علیه) آغاز نمود، بدو ادامه داد، بنحوی که همگان می دانیم که بدون این پشتیبانی و کمک هایی که انقلاب اسلامی به مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین نمود، به فقط می گوئیم که پیروزی غیر ممکن بود بلکه از پایه و اساس چیزی به نام مقاومت وجود نداشت.

از طرف دیگر دکتر فتحی شقاقی در نوشته ها و سخنرانیهای خود از جوانان و مردم فلسطین خواسته است برای مبارزه با اسرائیل و آزادی فلسطین، مردم ایران را الگوی خود قرار دهند. از آنجا

که جهاد اسلامی نقش مهمی در بسیج اسلامی در نوار غزه بعهدہ داشت، حکومت اسرائیل رهبران آن از جمله عبدالعزیز عوده و فتحی شقاقی را به لبنان تبعید کرد. رهبران جهاد اسلامی فلسطین پس از استقرار در بیروت به جمهوری اسلامی ایران و گروههای طرفدار انقلاب اسلامی در لبنان بیشتر نزدیک شدند و مواضع ایران در قبال فلسطین نزدیک کردند. جهاد اسلامی که قبلاً تا حدی با سازمان فتح و شاخه نظامی آن در سرزمینهای اشغالی همکاری داشت، پس از استقرار در لبنان، و بویژه پس از سیاستهای دو سال اخیر رهبران ساف با آنها سر به مخالفت برداشته است. جهاد اسلامی با ابتکار نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در ۱۵ نوامبر ۱۹۸۸ در الجزایر در رابطه با اعلام استقلال کشور مستقل فلسطینی مخالفت ورزیده و طی صدور بیانیه ای این اقدام را «خائنانه» توصیف کرد. مخالفت جهاد اسلامی با سیاست ساف، پس از مواضع جدید یاسر عرفات در اواخر ۱۹۸۸ در ژنو که طی آن وی اسرائیل را به رسمیت شناخت، و قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل را پذیرفت، بسیار شدیدتر شده است.

عبدالعزیز عوده رهبر جهاد اسلامی، در ۱۹۸۹ به ایران سفر کرد و با رهبران جمهوری اسلامی به مذاکره پرداخت. دکتر فتحی شقاقی نیز چند بار به تهران سفر کرده و مواضع جهاد را در قبال مساله فلسطین بیان نموده است. نزدیکی جهاد اسلامی به ایران باعث شده است که گروههای فلسطینی طرفدار عراق و نیز جنبشهای اسلامی مخالف انقلاب اسلامی و بویژه طرفداران عربستان سعودی برای منزوی کردن جهاد اسلامی به تلاش بپردازند. البته جهاد اسلامی از اواسط سال ۱۹۸۹، در نشریه ای تحت عنوان «المجاهد» که در بیروت انتشار می یابد، به انعکاس نظریات و مواضع خود و نیز شرح فعالیتهای طرفداران جهاد اسلامی در داخل سرزمینهای اشغالی می پردازد.

المجاهد در مقالات خود همچنین طرحهای سیاسی جهت حل مساله فلسطین و نیز مواضع رهبران ساف را که خواستار مذاکره با اسرائیل هستند، مورد انتقاد قرار می دهد.

به اعتقاد دکتر فتحی شقاقی گروه جنبش جهاد اسلامی فلسطین از آغاز پیدایش در فلسطین از سه مرحله عبور کرده است.

مرحله اول - مرحله آماده سازی و بسیج از طریق کار سیاسی و مردمی و تبلیغ در مساجد و دانشگاهها و اتحادیه ها و جزوات و اعلامیه ها و نشریات مخفی.

میاد می آورم که قبل از انتقال به مرحله دوم مسوولین اسرائیلی تعداد زیادی از فرزندان جنبش جهاد اسلامی را دستگیر کردند و هنگامی که برای اولین بار شخصاً برابر قاضی اسرائیلی قرار گرفتم فهرستی از اتهامات مرا پیش روی من گذاشتند که اولین آنها این بود که تو متهم هستی که اقدام به تاسیس یک سازمان دینی نموده ای که دعوت (امام) خمینی در نابودی اسرائیل و سیطره اسلام بر جهان را تایید می کند.

مرحله دوم - آغاز مبارزه و جهاد مسلحانه که در ایجاد اعتماد بنفس به مردم فلسطین تاثیری زیادی داشت، در حالی که نیروهای لائیک ملی گرا از مبارزه مسلحانه روی گردانیده و راه سیاسی و دیپلماتیک را انتخاب کردند آنان در این رهگذر بی آنکه ره آوردی داشته باشند خود را خوار و ذلیل ساختند.

سال ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ سال اسلام مجاهد در فلسطین بود. سالی که با خون پاک و طاهر اسلامی زمینه را برای انتفاضه مبارک آماده ساخت. روز ۱۹۸۷/۱۰/۶ اولین شعله انتفاضه را برافروخت. آن هنگام که یک هسته از فداییان جهاد اسلامی با نیروهای اطلاعاتی دشمن درگیر شدند و درگیر

مهمی به وجود آمد که در خلال آن چهار نفر از بهترین جنگجویان جهاد اسلامی به شهادت رسیدند و تعداد زیادی از افسران و سربازان دشمن کشته و مجروح شدند.

در چنین روز بزرگی از تاریخ مردم فلسطین جنبش جهاد اسلامی به همراه مردم فلسطین وارد مرحله دوم در مسیر خود گردیدند: «انتفاضه»

مرحله سوم-انتفاضه، که جنبش جهاد اسلامی از روز اول و بطور روزمره در همراهی رویدادهای انتفاضه حاضر بود. هفته ها گذشت تا دیگر نیروهای اسلامی و ملی بپاخیزند و صفوف خود را منظم سازند و با قوت در انتفاضه شرکت نمایند.

تردیدی نیست که شعاع تاثیرات انقلاب اسلامی ایران آنچنان فراگیر و پر جذب بود که فلسطینی ها به تاسی از شیوه های مبارزاتی مردم ایران، دست به قیام و خیزش عمومی زده که اصطلاحاً بنام «انتفاضه» مشهور گشت. در این «انتفاضه» مردم فلسطین، با دست خالی و صرفاً با استفاده از سنگ به روبروئی با سیل تانکهای زرهی و هلی کوپترهای مسلسل دار و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل برخاستند. در این جنگ نابرابر، ارتش اسراییل با کلیه نفرات و تجهیزات آن به حالت آماده باش عمومی درآمد تا قیام مردم فلسطین را با بهره گیری از تکنیک ها و شیوه های مختلف سرکوب کند. بواقع این انتفاضه، بهای بسیار سنگینی برای رژیم صهیونیستی در برداشت و از همین رو سران رژیم صهیونیستی کوشیدند از هر ترفندی برای خاموشی شعله های مقدس آن بهره جویند. لذا توافق اسلو و گفتگوهای پشت پرده رهبران جناح سازشکار فلسطینی بعنوان یک شگرد محافل صهیونیستی برای متوقف کردن انتفاضه و به سازش کشاندن فلسطینی ها محسوب می شود. متأسفانه جناح سازشکار فلسطینی بسرعت در دام صهیونیستها غلتیده و با براه انداختن تشکیلات

خود مختار و تحت الحمایه در ۳ درصد از اراضی غصب شده فلسطین، بعنوان نیروی حائل در مقابل حملات روزمره توده های فلسطینی علیه صهیونیستها ظاهر گردیده است. این جناح سازشکار بخاطر سلطه طلبی و قبضه کردن امور در سرزمین های اشغالی، به حقارت آمیزترین نوع تسلیم طلبی در تاریخ اعراب تن داد و متعهد گردید نه فقط آتش انتفاضه را خاموش کند بلکه به نیابت از سرویس اطلاعاتی اسرائیل، به سرکوب فعالان انتفاضه و مبارزان جنبش های اسلامی بپردازد.

پس از پایان جنگ عراق علیه ایران و به قدرت رسیدن آقای هاشمی رفسنجان، جمهوری اسلامی ایران فرصت پیدا کرد با انتخاب گزینه های سیاسی بسیار گسترده تری نسبت به آنچه که جنگ میسر می ساخت خط مشی واقع بینانه تری را اتخاذ نماید. ظاهراً این جریان در قالب دکترین ام القرای جهان اسلام متجلی گردید. در این مقطع این اتفاق نظر بوجود آمد که جمهوری اسلامی بدون گسترش انقلاب اسلامی در خارج از مرزهایش قادر به ادامه حیات نیست. شعارهایی همچون آرمان آزادی کربلا و قدس و نابودی اسرائیل به مثابه خواهش اصلی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی می شد، بدین خاطر می توان در این سالها نظریه اصلی سیاست خارجی ایران را همان ام القرای اسلامی دانست.

حمایت ها و کمکهای ایران به گروههای مبارز طرفدار ایران بیشتر گردید و گروههایی که به دیدگاه جمهوری اسلامی ایران نزدیک بودند، مورد حمایت و کمکهای بیشتر قرار گرفتند، بخصوص در فلسطین اشغالی که همواره مساله جهانی اسلام تلقی می شد. گروههای حزب الله لبنان، جهاد اسلامی، حماس که معمولاً دیدگاهی همگام با ایران داشتند، مورد حمایت قرار گرفتند، و بحث آزاد سازی فلسطین در محافل داخلی و خارجی از سوی ایران تقویت گردید، و نقش بازدارندگی

جمهوری اسلامی ایران در صلح اعراب و اسرائیل موجب خشم و تهدیدات بیشتر آمریکا و اسرائیل نیست به ایران را فراهم آورد.

کمکهای معدود کشورهای عربی و کمکهای مادگی، اقتصادی و ... ایران که بیشتر از طریق سوریه و حزب الله... لبنان صورت می گرفت، به گفته رهبران این جنبشها نقش بسیاری در شکوفایی و بسیج توده ها به سوی مبارزات علیه اسرائیل ایفا نمود، و موجب تقویت و گسترش دایره نفوذ این جنبشهای مبارز در داخل و خارج فلسطین اشغالی گردید.

با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی در سال ۱۳۷۶، و مشکلات متعدد روابط خارجی ایران با کشورهای بزرگ و منطقه، ایشان به بازنگری در سیاست خارجی و روابط بحرانی ایران با دیگر کشورها پرداخت. در این دوره بیشتر به تنش زدایی و ارتباطات بسیار با کشورهای مختلف از جمله غرب توسط فعالان دیپلماسی ایران صورت پذیرفت، این دوره که تقریباً همزمان با کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران صورت گرفت، در رابطه با منطقه و فلسطین بیشترین رویکرد ایران به مسائل عمومی و منطقه ای؟ منطقه ای در مورد حقوق ملت فلسطین صورت پذیرفت. سیاست ایران در منطقه براساس مصالح ملی و حمایت ها از آزاد سازی فلسطین اشغالی ادامه یافت، و چرخه آن بیشتر به سوی حمایت های سیاسی و بین المللی گردید.

در این دوره سعی ایران بر این شد که مساله فلسطین با مشارکت هرچه بیشتر کشورهای عربی و سازمانهای بین المللی برای احقاق حقوق فلسطین اشغالی انجام پذیرد. که مجموع حمایت ها و کمکها باعث به باد نشستن مقداری از تلاش ها گردید، که همانا پیروزی حماس در انتخابات با

پشت سر گذاشتن سازمان آزادیبخش فلسطین که خود را به عنوان نماینده مدعی فلسطین می دانست انجامید. بی شک حمایت های ایران را می توان بیشترین فاکتور در این پیروزی ها دانست.

فصل پنجم بخش دوم

رهبران ایران و مقاومت فلسطین

الف- سیاست تصمیم گیری رهبران ایران

ب- دیدگاه جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اسرائیل «امام خمینی، آیت الله خامنه ای ...»

۲- طرح روز جهانی قدس، احیای جنبشهای اسلامی و بسیج مسلمانان

۳- آیت الله خامنه ای و حمایت از مقاومت فلسطین

۴- آقای خاتمی و حمایت از مقاومت فلسطین

۵- وحدت نظر جهاد اسلامی فلسطین و رهبران جمهوری اسلامی ایران «زوال اسرائیل»

۶- جنبش جهاد اسلامی و تاثیر اندیشه های امام خمینی (ره)

۷- رهبریت ایران و جنبش جهاد اسلامی فلسطین «دکتر رمضان عبدالله دبیر کل جنبش اسلامی

فلسطین»

فصل پنجم بخش سوم

حمایت ایران از مقاومت فلسطین حماس و جهاد اسلامی

۸- ایران و حمایت از مقاومت فلسطین

۹- ارتباط سازمان جهاد اسلامی فلسطین با جمهوری اسلامی ایران

۱۰- حمایت های مالی، نظامی حماس و جهاد اسلامی

۱۱- ایران یکی از منابع مالی جهاد اسلامی

۱۲- آینده منازعه فلسطین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

فصل ششم بخش اول

بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۳- ایران و مخالفت با روند صلح خاورمیانه

۱۴- واکنش ایران و دیگر کشورها در قبال توافقنامه اسلو «غزه-اریما»

۱۵- انتفاضه و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۶- جهاد اسلامی فلسطین و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۷- حماس و نقش باز دارندگی ایران در روند صلح

۱۸- کنفرانس اسلامی و نقش بازدارندگی ایران در روند صلح

۱۹- فشار غرب و آمریکا بر ایران در پی حمایت از مقاومت فلسطین